

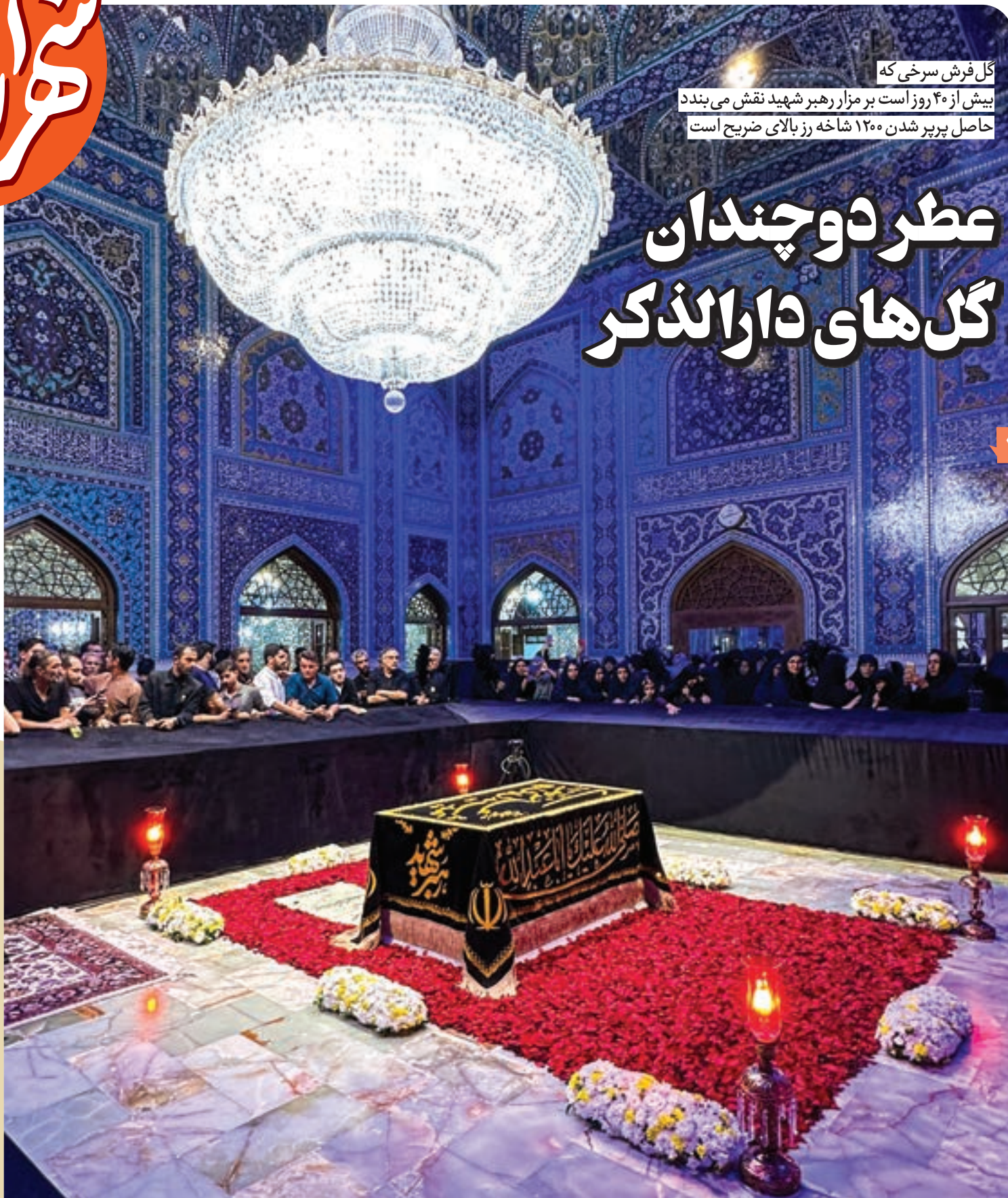
گل فرش سرخی که

بیش از ۴۰ روز است بر مزار رهبر شهید نقش می بندد

حاصل پرپر شدن ۱۲۰۰ شاخه رز بالای ضریح است

عطر دوچندان گل های دارالذکر

۳



عکس: محمد حسن صلواتی / شهرآرا

استقرار مه پاش

در مسیر عزاداران چهلیم رهبر شهید

شهردار منطقه ثامن با اشاره به اهمیت رفاه حال زائران و مجاوران بارگاه منور رضوی در مراسم بزرگ چهلیم روز تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب و کاهش آثار گرمای هوا در میان جمعیتی که در مسیرهای منتهی به حرم مطهر رضوی در حرکت هستند، گفت: شهرداری منطقه ثامن دستگاه های مه پاش در نقاط پرتردداین منطقه مستقر کرده است. حسین عبد...زاده افزود: بر این اساس، دودستگاه مه پاش نیمه سنگین آبفادر چهارراه شهید ۹، دستگاه در خیابان آیت... شیرازی دودستگاه در چهارراه مقدم و همچنین تقاطع شهید نواب صفوی و شهید شوشتری در دوسوی مسیرهای منتهی به خیابان های حسنی کارگرو شوشتری، برای ایجاد طراوت و کاهش دمای محیط فعال هستند.



شهر خبر



۲

سرعت اجرای سنگ فرش بازارچه شهید آستانه پرست، کاسبان را به ادامه آن علاقمند کرده است
استقبال از فاز دوم

۲

روایت روضه ای چهل ساله که به پیشنهاد شهید دوم خانواده برپا شد
سه شنبه های معنوی خانه شهیدان دهنوی



سرعت اجرای سنگ فرش بازارچه شهید آستانه پرست، کاسبان را به ادامه آن علاقمند کرده است

استقبال از فاز دوم



وقتی کاری را شروع می کنند، آن را کامل کنند؛ یعنی همه جای کدست سنگ شود.

پرچم فروشی مجید سعادت سرنیش یکی از فرعی های بازار قرار دارد. مجید آقا که نگران نرسیدن پروژه به فرعی هاست، می گوید: حالانمی دانیم قرار است کار ادامه دهند یا فقط جلو مغازه کاسبان نزدیک حرم را قشنگ و مرتب کرده اند؟ اگر ادامه دهند، فقط راسته بازار را درست می کنند یا همه کوچه ها هم سنگ می شود؟

● پایان فاز دوم تا پایان سال

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ثامن با اشاره به اینکه فاز اول گذر تشریف شهید آستانه پرست زودتر از موعد مقرر به پایان رسیده است، بیان می کند: زمان پیش بینی شده برای فاز اول این پروژه که در مسیر زیارتی به طول ۳۷۰ متر انجام شد، شش ماه بود اما با همت همکاران ما و همراهی کسبه، سنگ فرش گذر تشریف بازارچه شهید آستانه پرست در حد فاصل طبرسی ۲ تا ره باغ رضوان، پس از لکه گیری، شیب گیری و کانال کشی آب های سطحی، در بازه زمانی سه ماهه و قبل از دهه آخر ماه صفر به پایان رسید.

ایمان خندان از آغاز فاز دوم گذر تشریف این بازارچه خبر می دهد و می افزاید: با پایان یافتن ایام زیارتی ماه صفر، فاز دوم به طول ۱۱۰ متر و عرض میانگین حدود ۱۰ متر در حد فاصل ره باغ رضوان تا قاطع دوم خیابان شارستان آغاز می شود و تا پایان سال به بهره برداری خواهد رسید.

شهرداری کاری را شروع می کند، چند برابر مدتی که قول می دهند کارشان طول می کشد، اما این بار به موقع تمام شد. نگاهی به همکاری می اندازد و می پرسد: فکر کنیم زودتر تمام شد. چند ماه طول کشید؟

● بازار باید یکدست باشد

اما کسبه ای که در ادامه بازارچه کاسبی می کنند، نگرانی شان متفاوت است. ابوذر جلالی که در سایه کنج عطاری کوچکش نشسته است، می گوید: تا امسال کف بازار آسفالت بود؛ مشتری همه جاقدم می زد و هر جا جنس خوبی می دید، می خرید. اما الان ببینید؛ بخشی از بازار سنگ شده و کف آن قشنگ است. حالا سباهی و کثیفی آسفالت قدیمی به چشم می آید و مشتری را پس می زند.

بابی حوصلگی سری تکان می دهد و می گوید: به مسئولان بگویید

نجمه موسوی کاهانی ا طرح گذرهای تشریف گاهی در کش و قوس نارضایتی کسبه اجرا و همین نارضایتی باعث می شود در برخی قسمت ها مسئولان اجرایی با چالش هایی روبه رو شوند. اما گذر تشریف بازارچه شهید آستانه پرست که بهار امسال آغاز شد و مسیر یکدست و مطلوبی را در ورودی کوچه طبرسی ۲ به سمت بازارچه برای زائران پیاده ایجاد کرده، از آن دست پروژه هایی است که با اقبال کاسبان روبه رفته و درخواست های مکرر برای اجرای سنگ فرش در ادامه مسیر آن وجود دارد. به بازارچه شهید آستانه پرست رفتیم تا از کاسبان درباره مراحل روند اجرای پروژه بشنویم.

● نگران کسب و کارمان بودیم

آبمیوه فروشی که در فصل گرما کار و کاسبی اش حسابی رونق دارد، می گوید: اوایل اردیبهشت بود که گفتند می خواهند این مسیر را سنگ فرش کنند. دلمان را زنی نبود درگیر کننده کاری شویم و مغازه مان پر از گرد و خاک شود.

احمد سعادت ای ادامه می دهد: آن زمان هنوز جنگ ادامه داشت و زائر زیادی در مشهد نبود. به همین دلیل مخالفتی نکردیم. خدا را شکر که زود تمام شد و در ایام شلوغی به کسب و کارمان لطمه ای نزد.

محسن مقتدایی، یکی دیگر از کسبه ای که مغازه اش در مسیر فاز یک قرار دارد، می گوید: وقتی کار را شروع کردند، نگران بودیم مشتری مان در ایام شلوغی کم شود و چک هایمان برگشت بخورد. با تجربه ای که داشتیم، می دانستیم وقتی



روایت روضه ای چهل ساله که به پیشنهاد شهید دوم خانواده برپا شد

سه شنبه های معنوی خانه شهیدان دهنوی



عیدگاه

برای حاج خانم دهنوی می خواند و می گوید: روشن بودن چراغ این خانه، دلگرمی همسایه هایی است که روزهای قدیم را به خاطر دارند. فرزندان آدم که صالح باشند، راه پدر و مادر را ادامه می دهند.

● جلساتی با دیدگاه تربیتی

با تقدیراتی که خانواده دهنوی هنوز به آن پایبند هستند، اتاق خانم ها و آقایان از هم جداست. بعد از اینکه همه جمع می شوند و نماز جماعت برپا می شود، موضوعات روز شروع می شود؛ از مسائل اجتماعی گرفته تا مباحث سیاسی، با هر تفکری حرفی به میان می آید. جعفر آقا، برادر سوم خانواده، می گوید: روضه نباید فقط ذکر مصیبت اهل بیت (ع) باشد، بلکه باید فضایی را ایجاد کند برای روشننگری و تبیین مسائل روز. اینجا غیر از بچه های خود مان، بچه هیئتی های محله پایین خیابان هم می آیند، گاهی هم رزمان ما و برادرهای شهید مان هم می آیند و در این جلسات شرکت می کنند، چون فقط دیدار خانوادگی نیست؛ بلکه جنبه تربیتی و اجتماعی دارد و مسائل متناسب با سن بچه ها و نوه ها در آن مطرح می شود.

با خواندن دعای توسل، روضه تمام می شود. اما ادامه مباحث می ماند برای هفته بعد، تا دوباره همین جمع، همین جایاد شهیدان رازنده کنند.

خانواده دهنوی، قابلمه بزرگ غذا را به آشپزخانه کوچکی که مادرش سال هاد آن غذای پخت، می برد و می گوید: در این خانه، سه شنبه شب ها به روی همه باز است و دعای توسلی که حمید از مادرم خواسته بود، خوانده می شود. از همسایه های قدیمی گرفته تا هیئت های محله و حتی مسئولان شهری، این روضه را می شناسند. قدیم مادرم دیگ بزرگ غذا را برایم گذاشت و تمام حیاط پر می شد، اما الان هر خانواده به اندازه خودش، یک غذای ساده می آورد تا هزینه هاروی دوش یک نفر نباشد.

فاطمه خانم در اتاق کوچکی که صفای روزهای قدیمی هنوز در آن برقرار است، می نشیند و ادامه می دهد: برادرهایم همگی نوه دارند و در مناسبت های مختلف در خانه هایشان روضه برپاست. اما دور هم جمع شدن در این خانه حال و هوای دیگری دارد.

او که سعی می کند ای پنج عزیز از دست رفته اش رازنده نگه دارد، به عکس برادرانش اشاره می کند و ادامه می دهد: شهید اول علی اکبر بود؛ سیزده سال داشت و ۹۵ دی ۵۷ در خیابان بهار، روبه روی استانداری شهید شد. شهید دوم حمید بود، عضو اطلاعات عملیات لشکر ۲ امام رضا (ع) که در بیست و چهار سالگی، در مرحله شناسایی مناطق عملیاتی در و الفجر ۳ در ارتفاعات مهران شهید شد. شهید سوم هم حسین است که اسفند ۶۶ شهید شد، هفده سال بیشتر نداشت. مادر و پدرم هم نور چشممان بودند و هنوز عطر و بوییشان را در خانه حس می کنیم.

سید اشرف سید قطبی، یکی از همسایه های قدیمی، فاتحه ای

نجمه موسوی کاهانی ا پشت حسینی شمشرگرها، یک کوچه باریک کنار دیواری قدیمی، منتهی می شود به خانه ای که سال هاست روشنی چراغش، دل اندک همسایه های باقی مانده در محله پایین خیابان را گرم و فامیل دهنوی را دور هم نگه داشته است؛ چراغی که سال ۶۲ به پیشنهاد حمید روشن شد. وقتی از مادرش خواست دعای توسل را بهانه ای کنند برای صله رحم، تا صدای روضه اهل بیت (ع) همیشه در خانه پیچد و خشت خشت خانه ای که بانام برادر شهیدش شناخته می شد، با عشق اهل بیت (ع) جان بگیرند. حالا بعد از ۴۳ سال، هنوز از خانه ای که عکس سه شهید بر سر در آن نقش بسته است، هر سه شنبه شب، صدای روضه اهل بیت (ع) بلند می شود و همسایه ها را به حضور دعوت می کند.

● دلگرمی همسایه ها به روضه های قدیمی

زهره خانم حیاط را آب و جارو زیر سماور را روشن کرده است. می داند قبل از غروب آفتاب، بچه های حاج آقایکی یکی پیدایشان می شود. زهره نوروزی از شش سال قبل که همراه همسرش، برای پرستاری از پدر شهیدان به این خانه آمد، خودش هم بخشی از میزبانان این روضه شد و با اینکه چند سال است که حاج آقا به رحمت خدا رفته، هر جا که باشد، قبل از اذان خودش را به خانه می رساند. فرزندان خانواده دهنوی که حالا هر کدام چندین فرزند نوه دارند، یکی پس از دیگری زنگ در خانه پدری را به صدا در می آورند. فاطمه خانم، دختر بزرگ تر

سمیرا شاهیان | خادمان بخش شمیم رضوان بارو پوش های سبز و دستکش های یک بار مصرف نایلونی، به انتظار جعبه هاو سینی های گل ایستاده اند. اولین جعبه گل که پوشش مخمل سبز آن مزین به نام «السلطان ابا الحسن علی بن موسی الرضا^(ع)» شده به دست خادمی می رسد که برای متبرک شدن در صاف ایستاده اند. نواها بلند شده است: «غیر تو یاری ندارم، با کسی کاری ندارم / گرم را از در برانی، جای دیگر من ندارم». خادم اول جعبه را می بوسد و دست به دست می کند. همین روال تا انتها پیش می رود. جعبه، حاوی گل های بالای ضریح است: گل هایی که در روز سعادت داشتند ضریح مطهر امام هشتم را به زیبایی بیارایند و سپس به دارالذکر رفته و یکی دو روز بر مزار مطهر مردی که جان ایران بود، نقش ببندد و بعد از آن به بخش شمیم رضوان برسند. اینجا هر گل متبرک پس از بوجاری، خشک و بسته بندی می شود و به دست زائران و مجاورانی می رسد که مشتاق بوییدن گل های متبرک به مزار رهبر شهید شان هستند.

گل فرش سرخی که
بیش از ۴۰ روز است
بر مزار رهبر شهید نقش می بندد
حاصل پرپر شدن ۱۲۰۰ شاخه رز
بالای ضریح است

عطر دوچندان گل های دارالذکر

مستقیم از فوق ضریح تا دارالذکر

گل های طبیعی حرم مطهر امام رضا^(ع) فقط گل نیستند. هر شاخه، پیش از اینکه به حرم برسد، داستانی دارد و پس از آنکه در فوق ضریح قرار می گیرد، سرنوشتی دیگر پیدا می کند. اما زندگی گل های اینجا از روزی که رهبر شهید ایران در رواق دارالذکر تدفین شده اند، داستان تازه تری هم پیدا کرده است. مابه بخش «شمیم رضوان»، در فاصله باب الجواد^(ع) تا باب الرضا^(ع) آمده ایم؛ جایی که خدمت با گل های متبرک آغاز می شود و ساعت هابه عطر معنویت گره می خورد. از حدود چهل روز پیش که گل آرای می فرقد رهبری هم به تشریفات حرم مطهر رضوی اضافه شده، یکی از متفاوت ترین تجربه های بخش شمیم رضوان بسته بندی گل های رواق دارالذکر است. میثم نخعی، مسئول این بخش، توضیح می دهد: پس از مشخص شدن محل تدفین، گل آرای می فرقد رهبری و خانواده شان هم به مجموعه شمیم رضوان واگذار شد. به همین دلیل، بخشی از گل هایی که در گل آرای می فوق ضریح استفاده شده بود، دوباره به کار آمد. به ویژه گل های قرمز به این ترتیب، شاخه گل های قرمز، مستقیم از فوق ضریح به دارالذکر می روند و ۴۸ تا ۲۴ ساعت هم به صورت پرپر شده در کف رواق دارالذکر پهن می شوند. نخعی می گوید: با اینکه گل فرش به طور طبیعی در دارالذکر، کمی خشک می شود، دوباره در چرخه آماده سازی طی فرایند بوجاری و خشک شدن قرار می گیرد. این گل هابین زائران محبوبیت زیادی دارد. چون عطر آن ها دوچندان است. در واقع هم بوی خوش امام رضا^(ع) رایحه خود گرفته و هم در جوار رهبر شهید قرار گرفته اند. از این رو گلبرگ های سرخ هر چهارشنبه، پیش از نماز صبح در صفوف نمازگزاران به زائران تقدیم می شود.



گل ها، زبان مناسبت ها

در هر شیفت، حدود هشت نفر از خادمان دل سپرده به حریم رضوی در فرایند آماده سازی گل های استفاده شده برای خشک شدن، فعالیت می کنند. گل های آماده از روی ضریح زیبای حضرت رضا^(ع)، باید رنگ به رنگ و دسته به دسته از یکدیگر جدا شوند. هر بار فرایند جداسازی و دسته بندی که بوجاری نام دارد، شروع می شود، گروهی از زائران توفیق حضور در این فضا را پیدا می کنند. خادمان در حین بوجاری کردن، «ای صفای قلب زارم» را همخوانی می کنند و زائران هم حاجت هایشان را در این فضای عطر آگین با امامشان در میان می گذارند.

رواق همیشه گل آذین

نوار سفید دور مرقد رهبر شهید هم گل آرای مخصوص خودش را دارد. مسئول بخش شمیم رضوان توضیح می دهد: این حاشیه را با گل های سفید پر می کنیم و هر روز این کارها با توجه و رسیدگی ویژه انجام می شود. سینی گل بانود در صد داوودی پر شده و پایه گل هم هر چند روز یک بار تعویض می شود. البته روال تعویض این طور است که حتی برای یک دقیقه رواق دارالذکر خالی از پایه گل مزین به عکس رهبری نیست. پایه گل جدید که تهیه و جانمایی می شود، پایه گل قبلی از رواق خارج و برای خشک شدن به بخش شمیم رضوان سپرده می شود. نخعی می افزاید: در هر پایه گل، معمولاً ۲۵۰ دسته گل داوودی استفاده می شود و گل فرشی که پهن می شود، شامل دست کم ۱۲۰۰ شاخه گل رز است.

خدمت میان گل ها

نور محمد قاسم زاده خیرآباد حدود سه سال است که در این بخش خدمت می کند. پای دستگاه پرس نشسته است و بسته های گل متبرک را می بندد. هفته ای یک روز، خود رایحه شمیم رضوان می رساند. برای او، آمدن به اینجا پیش از آنکه یک وظیفه باشد، دعوت است و هر بار پای دستگاه، شکرش رایحه جامی آورد. او می گوید: هر بار با وضو وارد محل خدمت می شوم، ذکر می گویم و خدا را شکر می کنم که باردیگر فرصت حضور و خدمت به زائران را پیدا کرده ام. قاسم زاده در اتاقی نشسته است که دو دستگاه خشک کن هم قرار دارد. او توضیح می دهد: خشک کردن گل ها شاید در ظاهر شبیه خشک کردن میوه باشد، ولی این دستگاه مخصوص است تا رنگ و عطر گل تا حد امکان حفظ شود و این مهم ترین جنبه از امانت داری گل هاست.

چرخه بی پایان گل های متبرک

احمد فاطمی، از خادمان فعال در کشیک سوم، می گوید: شاید مهم ترین بخش ماجرا، جایی باشد که گل دوباره به مردم بازمی گردد. در طرح «چهارشنبه های امام رضایی»، گل هایی که مدتی بر ضریح مطهر قرار داشته اند، پس از جمع آوری، خشک و بسته بندی می شوند و در قالب «گل پرس» به زائران هدیه داده می شوند. هنگام تقدیم گل نیز به زائر گفته می شود که این گل مدتی بر ضریح مطهر و همچنین مزار رهبر شهید بوده است. برای بسیاری از زائران، همین چند کلمه کافی است تا شاخه ای خشک شده به یک یادگار ارزشمند تبدیل شود.

به بلندی عمر گل های حرم

حسین پور شالشور یکی از خادمان این بخش، معلم بازنشسته ای هفتاد و شش ساله است. او هفته ای یک روز به شمیم رضوان می آید و گل ها را برای خشک شدن و بسته بندی آماده می کند. برای او، این یک روز خدمت، تا هفته بعد ادامه پیدا می کند: نه از نظر کاری، بلکه از نظر حال دل. گاهی صدای مداحی فضای کار را پر می کند. این خادم می گوید: همین فضا باعث می شود آدم احساس کند از نظر معنوی «شارژ» شده است. حتی این حال خوب را خانواده نیز متوجه می شوند. وقتی به خانه می رسم، همسرم از حال و هوایی که با خود از حرم آورده ام، می فهمد که دوباره یک روز در آن فضای معنوی خدمت کرده ام. شاید از شمیم رضوان این باشد: گل هادر اینجا تنها خشک نمی شوند، بلکه خاطره می شوند. گل ها به اقتضای طبیعتشان پژمرده می شوند، اما خاطره خدمت و زیارت کنار این گل ها تا همیشه ماندگار است.



نخعی به تشریفات گل آرای ویژه صحن پیامبر اعظم^(ص) در مراسم شهادت قائد شهید اشاره و بیان می کند: از تاریخ دهم اسفند، هم زمان با اعلام شهادت، گل آرای ویژه در صحن پیامبر اعظم^(ص) و رواق امام خمینی^(ره) آغاز شد. حدود نود تا صد پایه که به تصویر رهبر شهید مزین بودند، با گل آرای آماده شدند.

او می گوید: اینجا گل ها فقط تزئین نیستند؛ زبان مناسبت ها هستند. سفید، آرامش و سوگ راندای می کند. رنگ قرمز، شور و حماسه را و سبز، شادی و عید را به فضای حرم می آورد. هر ترکیب، بخشی از حال و هوای یک مناسبت رایحه چشم زائر منتقل می کند. برای هماهنگی با فضای عزاداری، از رنگ های روشن و آرامی مانند سفید، نباتی و شیری استفاده شد. گلایل، لیلیوم، آلسترز و به و ویژه داوودی در این گل آرای به کار رفتند. داوودی به دلیل دوام و ماندگاری مناسب و حجم زیادی که دارد، سهم بیشتری از این ترکیب داشت. این گل ها هم پس از استفاده، جمع آوری، بوجاری، خشک و بسته بندی می شدند.





بالا خیابان، پایین خیابان

مجلات منطقه‌ها



برای همین یک نیت دیگر هم دارد و می‌گوید: از شروع جنگ سوم تا حالا، نیت کرده‌ام در هر بار ذکر گفتن، برای پیروزی رزمندگان اسلام هم دعا کنم.

● عرض ارادت به رهبر شهید

زائران بسیاری مثل مریم خانم هستند که با استقامت روی یک نذر، آرامش می‌گیرند. این زائر جهرمی در حالی که کتاب دعای قدیمی اش را می‌بندد و در کیف دستی اش می‌گذارد، می‌گوید: نیت کردم بعد از یک دل سیر زیارت امام رضا^(ع)، برای عرض ارادت به مزار رهبر شهید و خانواده‌شان، به رواق دارالذکر بروم. گرچه ما وجود رهبر عزیزمان را از دست داده ایم، ولی خوشحالم که از این به بعد، در هر بار سفر به مشهد، می‌توانم ایشان را هم زیارت کنم.

زائر جهرمی برای سفر به مشهد فقط یک نیت دارد که او را به آرامش می‌رساند

نذر فرج



گنبد بارگاه

است که با خداوند و امام زمان^(عج) بسته است. او تعریف می‌کند: سال‌ها پیش، یک خانم در مکه، دعایی به من یاد داده است که نیت کرده‌ام در هر زیارتگاه، امامزاده و حرم امام معصومی باشم، با اینکه قرائتش زمان بر است، آن را بخوانم. اگر شیراز بروم، در شاهچراغ می‌خوانم و اگر در شهر خودم باشم، در امامزاده فضل ا... این دعا را قرائت می‌کنم. این بار هم آمده‌ام مشهد که فقط این دعای دوساعته را برای فرج امام زمان^(عج) بخوانم. مریم خانم از دوساعتی می‌گوید که طی آن، زمان برایش متوقف می‌شود و در دریای ذکر غوطه می‌خورد. نذری که در این چهارشنبه زیارتی، با دقت و عشق به جامی آورد، مجموعه‌ای از نجواهای پشت سر هم است: برای نمونه در یک قسمت از دعا، ۱۴۱ مرتبه «الهی عظم البلاء» می‌خواند. بعد آیات قرآن را می‌خواند و به نیایش ادامه می‌دهد.

مریم خانم این دعاها را تنها برای آرامش خودش نمی‌خواند. اواز روزهایی می‌گوید که جنگ تحمیلی سوم، احساس بی‌پناهی به افراد القامی کرد و تنها سلاحی که باقی می‌ماند، سلاح دعا و ذکر بود.

سمیرا شاهیان اهل لور و ضه منوره همیشه دریای خروشان زائرانی است که از هر شهر و دیاری به سوی معشوق می‌شتابند. در هیاهوی رواق گنبد «حاتم خانی»، مریم رحمانیان، در گوشه‌ای، آرام در برابر ضریح امام رضا^(ع) ایستاده است. از جهرم فارس و باتمام وجودش به این میهمانی آسمانی آمده است. برای او و سایر زائران راه‌های دور، رواق‌های اطراف روضه منوره، به ویژه رواق دارالذکر، از زمان تدفین رهبر شهید حال و هوای دیگری دارد که یکی دیگر از نیت‌هایش برای حضور در مشهد است.

● دعایی که از مکه شروع شد

مریم خانم پس از شش سال پرازان انتظار و دوری توانسته به زیارت امام هشتم بیاید. هر بار که نیت سفر داشت، شاید تقدیر، آمدنش را به تأخیر می‌انداخت. او «آجیل مشکل‌گشا» توزیع و به هر کس که تعارف می‌کند، می‌گوید: برای سلامتی صاحب‌الزمان^(عج) صلوات بفرستید. ان شاء... که ظهورشان نزدیک باشد. کاری که این زائر جهرمی را از دیگر زائران متمایز می‌کند، آن «عهد»ی

گشتی با محمدرضا قصاب باوفا در کوچه وحدت ۲۱

بوی خوش کیک در محله

سمیرا شاهیان اهل پلاک و هر گوشه از محله پایین خیابان برای محمدرضا قصاب باوفا که سال ۱۳۵۰ در کوچه وحدت ۲۱ به دنیا آمده، قصه‌ای دارد: مثل قصه مغازه‌ای که روزگاری پدرش در آن قصابی می‌کرد. او می‌گوید: پدرم سال‌ها در گوشه‌ای از بقالی مرحوم حاج محمود زمانیان که حالا پسر کوچکش جواد آقا آن را می‌چرخاند، قصابی داشت. یاد می‌آید صبح‌ها رأس ساعت ۷، مادر جواد آقا بایک ظرف لعابی به بقالی حاج آقامی آمد. یک تکه کره در ظرف می‌انداخت و نیم‌رو درست می‌کرد. بعد از صبحانه، در استکان‌های کمر باریک برای حاج آقا و پدرم چای می‌ریخت و می‌رفت دنبال ناهار درست کردن. خدا همه‌شان را رحمت کند. آقا محمدرضا که اکنون راننده اتوبوس است، هر زمان در کوچه‌های قدیمی‌شان راه می‌رود خاطرات گذشته را مرور می‌کند.



○ خانه دیوار به دیوار مسجد، کارگاه کیک‌پزی بود. دو برادر بودند که محصول‌تشان را با نام فامیلی‌شان تولید می‌کردند. هنوز هم کیک‌شان در بازار معروف است. من، سه ماه تعطیلی مدرسه، اینجا شاگردی می‌کردم. آن زمان، به خاطر پخت کیک، بوی خوشی در محله راه می‌افتاد. با اینکه الان این ساختمان مخروبه شده است، چون کار اولیه‌شان را از همین جا شروع کردند، حاضر به فروش این ملک نیستند.



○ مردم محله ما صبح‌ها که می‌آمدند بیرون، در خانه‌شان را باز می‌کردند و تا شب در خانه‌ها بسته نمی‌شد. این کار، به دلیل امنیت زیاد و مهمانی‌نوازی مردم بود. یکی از همسایه‌های باصفا، حاج حسین نخ‌تاب بود. در این خانه که حدود هزار متر مربع است، هم زندگی می‌کردند و هم کارگاه نخ‌تابی داشت. شغل سختی بود؛ باید با کلاف‌های نخ از اول کارگاه تا آخر می‌رفتند و بر می‌گشتند.



○ نوجوان که بودم، در مسجد موسی بن جعفر^(ع)، روحانی جوانی رفت و آمد داشت که او را «شیخ محمد» صدا می‌کردند. ما را در مسجد جمع می‌کرد و قرآن یادمان می‌داد. خانه روبه‌روی مسجد هم در همه مناسبت‌های مذهبی مراسم داشت. یاد می‌آید قالی‌قرمز روی دیوار این خانه آویزان می‌کردند و ما هم با خلایق خودمان با پنبه، درباره آن مناسبت، چیزی می‌نوشتیم.